کتابخانه آستان قدس

۱ مصباح الطریق

۲ درة ...

۳ بحر العلوم

اسم کتاب مجموعه فارسی عربی

مصنف ملا حسن یزدی وغیره

مؤلف

خطی نسخ ۱۲ سطری

~~چاپی~~

سال چاپ یا تحریر ۱۲۰۴ عدد اوراق ۱۷۶

جزء کتب ... شمارهٔ ...

شمارهٔ عمومی ۱۲۶۲۶ شمارهٔ قبض ...

واقف دکتر محمد زاهدی تاریخ وقف تیر ۱۳۵۰

طول ۱۵ عرض ۱۰ گنجهٔ ...

بازبینی شد
۱۳۵۳

۱۷۸

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذي اوضح لنا طريق العمل بنصب الاعلام والدلائل
واظهر سبيل الخيرات بنشر السنن والشرائع والصلوة والسلام
على افضل البرية واشرف الخليقة محمد وآله ارباب الفضائل
والفواضل چنين گويد اقل خليقه حسين بن محمد علي
اليزدي كه چون عالي جناب علامة العلماء فخر المحققين
وقدوة المجتهدين شيخنا العالم العامل آقا سيد محمد دام
ظله العالي امر فرمودند بترجمه اصلاح العمل خود بعد
از ترجمه چون مشتمل بر مسائل كثيره و فروع غريبه
بودند امر فرمودند كه آنرا مختصر نموده اقتصار بر مسائل
ضروريه از فتاوى ايشان چه احقر آنرا در رساله قرار داد
و چون علما خوف انا اصل كمالات مصابيح ميباشد آنرا مسمى
بمصباح الطريق نموده چون مقصود بيان احكام طهارت

وصلوة

۲

وصلوة وصوم بود انرا مشتمل بر سه مقصد قرار داده

در بیان طهارتست وان مشتمل بر سه بابست

در بیان وضو است ودران چند فصل است

در بیان اموریست که وضو بجهت ان واجب یا مستحب میباشد

بدانکه وضو واجبست بجهت نماز واجب وطواف واجب

وبجهت مس کتابت قران بعضی واجب میدانند وحکم

بوجوب ان با اشکال است لکن ملامست ترک ان بمحدث و

مستقر است بجهت نماز مستحب لکن شرط صحت ان است واما

نماز میت پس واجب نیست وضو برای ان وشرط نیز نیست

وهمچنین مستحب است بجهت مس کتابت قران اگر سنت

باشد واز برای دخول در مسجد وبعضی هر مکان شریف

را ملحق بمسجد کرده اند ومستحب است نیز بجهت تلاوت قران

وجماع کردن با زن حامله وبجهت خواب وطلب حاجت وبجهت

جنب اگر خواهد چیزی بخورد یا خواب کند وبجهت دفن کردن

میت و بجهت مسافری که خواهد داخل اهل خود شود و بجهت جنبی
که خواهد جماع کند و سنت است تجدید وضو بجهت نماز خواه نماز
واجب یا مستحب و خواه بوضوی اول نمازی کرده باشد یا نه و در تکریر
نمودن تجدید بجهت یک نماز اشکال است و اگر وضوی تجدیدی
ساخت و معلوم شد که وضو نداشته پس اگر در وضو نیت
وجوب یا ندب نکرده بلکه بقربت تنها اکتفا کرده بآن وضو میتواند
نماز کرد و اگر نیت مستحب نموده پس اگر وضوی سابق وضوی
سنتی بوده نیز این وضو کافیست و الا احوط شکستن وضو
و دو هر سه اینست ساختن است و با وضوئی که بجهت نماز
سنتی ساخته نماز واجب میتواند نمود و همچنین است با وضوئی
که بجهت قرائت قرآن و مثال آن از آن امور یکه وضو بجهت
آن مستحب است لکن شرط آن نیست و مثل اینست اگر بجهت
محض طاهر بودن ساخته و لکن احوط در اینها شکستن و اعاده
وضو است و اما وضوئی که بجهت خواب ساخته نماز بآن

٣

خلاف احتیاط است و حکم باستحباب وضو قبل از وقت از
برای نماز اشکال است لکن اگر نیت قربت تنها کند معلوم
نیست که مجزی باشد   در بیان اجزاء ناقض و شکننده
وضو است و آن چند چیز است اول و دوم بول و غایط
هرگاه از موضع طبیعی آید یا از موضعی که خلقی است آید
یا از موضع غیر طبیعی با انسداد طبیعی و اکثر علما شرط عادت
شدن در اینجا نکرده اند و اگر از موضع غیر طبیعی آید و
موضع طبیعی منسد نشده باشد علم نقض خالی از قوت
نیست و احوط نقض است و اگر مقعده آلوده بنجاست آن
مقعده بیرون آید چنانچه از صاحبان بواسیر اتفاق میافتد
اگر نجاست از آن جدا نشود ناقض نمیشود سیم باد است
اگر از مقعد خارج شود و بادی که از فرج زن آید ناقض
نیست چهارم خواب پنجم زوال عقل ششم استحاضه است
هر قسم که باشد و همچنین خون حیض و نفاس نیز ناقض

وضواست واما منی وبوسیدن زن و قهقهه همه نقض
مس فرج وبیرون آمدن کرم یا سنگ ریزه یا هسته
یا قوده ویا ودی یا وذی وغایط اهو وضو را نمیشکند
در آداب خلوت است واجب است در حال
خلی نشستن بطریق که نه بینند عورت او را کسانی که
حرامست دیدن ایشان واگر چنین کسی نیست پوشیده
عورت ضرور نیست وپوشیدن از زن وکنیزکه جماع
جایز است واجب نیست ودر معنی عورت خلاف است
واقوی آنست که عبارتست عورت از قضیب وبیضتین
وفرج غایط واحوط پوشیدن ناف تا زانو است و
حرام است رو بقبله کردن وپشت بقبله کردن بیدن
وفرج در حالت خلی واستقبال بفرج تنها یا بدن تنها
حال استنجا پس احوط آنست که حکم او حکم خلی دانیم
ومکروهست رو بباد کردن در حال بول ورو بآفتاب

ع

و عرض ماه کردن مخرج بول نیز مکروهست و همچنین استقبال
آفتاب و ماه در حالت غایط و مکروهست بول کردن در
زمین سخت وایستادن بلکه تغوط نیز باین حال مکروهست
و مکروهست بول کردن از بلندی مثل از بام به پایین بر سنگ
و در آب مطلقا بلکه تغوط در آب ایستاده نیز مکروهست
و در کوچها و شارعها و کنار نهرها و سر چاهها و در سایه‌ها
که مترددین نازل میشوند و در زیر درخت میوه دهنده
و بر قبر و مکروهست بسیار نشستن در خلا و خوردن و
آشامیدن در آن و مسواک کردن و تکلم کردن مگر با ضرورت
و ذکر خدا مکروه نیست و اولی آنست که آهسته ذکر
کند و قرائت قرآن نیز ضرری ندارد و حکایت اذان
نیز جایز است بی کراهت و مستحب است اختیار کردن
مکان مناسبی جهت تخلی بانکه از نظرها بپوشد و مرتفع
و پر خاک باشد و مستحب است که سر خود را بپوشد و در وقت

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

نفتن پای چپ ایش خارج و دو وقت بیرون آمدن پای
راست و اگر در مثل صحرا باشد و وقت قلی اخر پامی کر
میکذارد جهت نشستن پای چپ است و اول پای دیکر برمیدارد
پای راست است و اخیر کرو ارد شده است بخواند و بعض
از بول استبرا کرده ند واجب و مستحب داند و استحباب
خالی از قوة نیست و دو کیفیت ان خلاف است اکثر بر انند
کر باید سه مرتبه مسح نماید از مقعد تا بیخ ذکر مقوة پس
سه مرتبه از انجا تا سر ان پس سه نوبت حشفه را بیفشرد
و بعضی کفته اند کر باید انقدر دست بمالد کر انچه از
بول در مخرج باقی مانده بیرون اید خواه کمتر از سه مرتبه
باشد یا زیاده و این قول خالی از قوت نیست و اکر
چه قول اول احوط است با زیادتی تنحنح سه مرتبه و
واظهر انیست کر مسح و فشردن با انکشتی کر باشد
جایز است و بعد از استبرا شیئی اکر بیرون اید از مخرج بر او

اید ندانند که بول است یا نه پاک است و بعد خروج
آن وضو باطل نمیشود و اگر شک کند که آیا استبرا کرده
یا نه حکم بطهارت آن بلل منیّ مشتبه و الحاق آن بکسی که
استبرا کرده خالی از قوة نیست و واجب است شستن مخرج
بول اگر خواهد چیزی را که مشروط بطهارت است بجا آورد و
غیر آب از آن پاک نمیکند و استعمال آن بدو مقدار آنچه
بر حشفه است کافیست و دو نوبت شستن آن احوط
است و احوط از آن سه نوبت است و مخرج غایط اگر اطراف
آن نجس شده باشد و تعدی خلاف عادت کرده باشد
واجب است که از آن نیز بشوید با آب هم مخرج و هم اطراف آن را
و اگر تعدی نکرده باشد مخیر است میان شستن با آب
یا غیر آب از سنگ و کلوخ و اگر از محل عادت نکند شستن بلکه
بعضی تعیین آب و لازم میدانند و بعضی اولویت غیر میدانند
و اول احوط است و اگر استنجا با آب نماید واجب است که عین

نجاست و اثر از ازایل نماید و مراد از اثر آن خورده هایست
که اگر با غیر آب پاک کند باقی میماند و ازالهٔ رنگ و بو واجب
نیست و در استنجا بسنگ ازالهٔ اثر نجاست ضرور نیست و اما
چیزی که معتبر است در استنجا کردن پس بدانکه معتبر در آن
چند چیز است اول آنکه آن چیز نجس یا متنجس نباشد دویم آنکه
از اموری که ازالهٔ آن بآن نمیشود نباشد مثل اجسام صیقلی
مثل شیشه و مثل سنگ بزرگ که نمیتوان نجاست بآن زایل
کرد و مثل خاک و مغوان و چیزهایی که بجهت انفصال اجزاء
آن نجاست را بیشتر میکند سیم آنکه سرگین و استخوان و
چیزهای خوردنی و تربت طاهرهٔ پیغمبر و ائمه و سایر
اموری که در شرع احترامی از برای اینها ثابت شده باشد نباشد
که استنجا بمجموع اینها حرام است و اگر مرتکب این حرام بشود
آیا طاهر میشود یا نه خلافست و عدم حصول طهارت
خالی از قوة نیست و سنگی که استعمال شده اگر نجس نباشد

امراست

اسوال

استعمال میتوان کرد و احوط ترک است و احوط انست
که ان جسم که بان استنجا میکنند خشک باشد ولکن لازم نیست
و اگر بسه مرتبه مالیدن عین بر طرف نشود باید زیاده بمالد
تا زایل شود و اگر بکمتر که سه مرتبه زایل شود اکتفا بهمان قدر
خالی از وجهی نیست لکن احوط تمام کردن سه مرتبه است
و در اکتفا بیک سنگ سه گوشه یا خرقه سه گوشه مثلا اشکال است
احوط آنست که بان اکتفا ننماید و مستحب است که اول استنجا
از مخرج غایط نماید و در مخرج غایط جمع میان اب و غیر اب نماید
والا اختیار اب نماید و مکروهست استنجا بدست راست و بدست
که در ان خاتمی باشد که اسم خدا یا یکی از ائمه یا حضرت فاطمه
بر ان نقش است و ان حد و قوی است که ملوث نشود و
الاحوط است چنانچه گفته اند که اگر باشد و بقصد اهانت
چنین کند کافر شود   در کیفیت و اداب و
ضوابط و واجبات وضو هفت است اول نیت است پس

اگر در حال غفلت بجا بیاورد عملش صحیح نیست و واجب است نیت
قربت پس اگر بجهت ریا بجا آورد وضویش باطل است و اگر از
خوف عقاب و طمع ثواب بجا آورد عملش صحیح است اگر نیت
قربت حاصل شود بنا بر اصح و اگر ضم نماید نیت ریا را با قربت
پس اگر باعث اصلی ریا است یا اینکه ریا و قربت مساوی است
و هر دو با هم داعی بعمل شده باشد پس وضویش فاسد است
و اما اگر نیت و داعی اصلی قربت باشد و لکن ریا نیز با آن ضم شده
باشد جماعتی از علما این عمل را نیز فاسد میدانند و این احوط
است لکن احوط عملا است در این باب و همچنین عبادات
در این احکام ملحق بحکم وضو میباشد و اگر امر راجحی را در نیت
با قربت ضم نماید مثل حمیه در روزه و اعلام در تکبیر
در صحت عملش مطلقا یا فساد آن مطلقا یا صحت اگر مقصود
اصلی قربت باشد و الا فلا چند قول است و احوط فساد است
و اگر قصد کند امر مباحی را که لازم آن فعل است مثل سرد